۴۵ مردی با چشمان حادثه‌ساز

فاجعه ای که در راه است

در حاشیه

محمد بلوری/ روزنامه نگار

اشاره: در نخستین روزی که میررضی در لباس سرخ با کلاه خود و شمشیر بر کمر سوار بر الاغش شده بود تا با گشت در آبادی هفته مراسم «شمرکشون» را آغاز کند، در میدان بزرگ مرادآباد، ناگهان گله‌ای از سگ‌های هار به میدان هجوم آوردند و بیش از پنجاه زن و مرد و کودک زخمی شدند و چند نفر هم با زخم های مهلکی جان سپردند. زخمی‌ها را با اسب و گاری و درشکه به درمانگاه انتقال دادند و در اتاق‌ها و راهروها بستری کردند تا سهراب دانشجوی رشته پزشکی با کمک خانم معلم تزریق سرم‌هاری را به زخمی‌ها آغاز کنند...

****

... سهیلا پس از بررسی تعداد سرم‌ها در گنجه به نزد دانشجوی جوان برگشت و با خوشحالی خبر آورد که به تعداد کافی برای تزریق به زخمی‌ها هست.

سایه غم بر چهره سهراب نشست و گفت: باید شصت تایی سرم باقیمانده باشد؟ خانم معلم جواب داد: بله آقا سهراب.

نگاه دقیقی به چهره او کرد و پرسید:

- شصت تا باید کافی باشد اما چرا نگران هستید؟

سهراب گفت: فکر آینده هستم. در آینده که با زخمی‌های سگ‌های هار روبه رو خواهیم بود چه باید کرد؟

زبیده گفت: پهلوان ارغنون تعریف می‌کرد در مرکز با یک داروخانه‌دار آشناست که می‌تواند با سفارش ایشان تعدادی سرم ضد هاری برای درمانگاه این آبادی تحویل‌تان دهد با هم دوستی قدیمی دارند.

دانشجوی جوان به فکر رفت و با لحن امیدوارانه‌ای گفت: خوب گفتی بانو، پس باید به دیدن استاد ارغنون برویم. با پهلوان حیدر قرار می‌گذاریم که استاد را ببینیم. و در حالی که به شستن و ضدعفونی کردن زخم‌های بیماران مشغول شده بود گفت: بانو روپوش را به تن کن و با من دست به کار شو که وقت تنگ است.

سهیلا آه کشان با چهره‌ای غمزده گفت:

- اگر رمال‌ها و طالع‌بین‌ها فتنه به پا نکنند که سگ‌های هار روح شیاطین را به تن زخمی‌ها وارد می‌کنند و با طلسم و ورد خواندن می‌توانند شیطان را از تن‌شان بیرون کنند و دوا و درمان را خدمت به ارواح شرور می‌دانند. تازگی‌ها این طالع بین‌های خرافاتی، طلسم‌هایی در کوچه‌ها بر شاخه‌های درختان آویزان می‌کنند که شیاطین را از این آبادی دور کنند. جارچی‌هایی را مأمور کرده‌اند که در کوچه‌ها بگردند و جار بزنند که همه باید برای دوری از شیاطین، طلسم‌های مخصوص از رمالان تحویل بگیرند. این خرافه پرستان می‌خواهند با فروش این طلسم، جیب‌های گل وگشادشان را پر از سکه کنند. دانشجوی جوان با نگرانی، از پنجره نگاهش را به آسمان انداخت و موجی از خفاش‌هایی را دید که بر فراز خانه‌ها چرخ می‌زدند و دایره وار در اوج و فرود بودند.

سهراب با نگرانی گفت: - وای خدای من. این خفاش‌های پستاندار خون آشام در انتقال ویروس‌ها خطرناک‌تر از سگ‌های وحشی می‌شوند.

سهیلا با تعجب پرسید: خفاش‌های خونخوار...؟ دانشجوی جوان گفت: این خفاش‌ها حتماً برای مکیدن خون افراد به خانه‌ها می‌آیند. حتماً بعضی از این پرندگان خونخوار مبتلا به ویروس هاری هم شده‌اند. باید برای مصون ماندن خانواده‌ها از خفاش‌ها فکری کرد.

سهراب به فکر رفت و آنگاه رو به سهیلا ادامه داد:

- لاشه‌های سگ‌های هار و گاو و گوسفندهای مرده‌ای که در گوشه و کنار آبادی رها می‌شود. آن خفاش‌ها خون این لاشه‌ها را می‌مکند و به‌عنوان ناقلان ویروس هاری می‌شوند و با ورود به خانه‌ها، اعضای خانواده‌ها را هم مبتلا می‌کنند. برای خون آشامی این جانوران پرنده باید فکری کرد.

در چند روز اخیر چند نفر از این طریق مبتلا شده‌اند. من با دیدن اجسادشان که در کوچه‌ها بر زمین افتاده بود. جای نیش خفاش‌ها را تشخیص داده‌ام.

سهیلا با نگاهی ترسان و بیمناک گفت: پس فاجعه، چهره تازه‌ای به خود گرفته دکتر! برای مبارزه با خفاش‌های خون آشام چه باید کرد؟

سهراب از سرگشتگی، سر جنباند و گفت:

- با معاینه اجساد قربانیان ویروس هاری، می‌فهمم روزبه‌روز تعداد قربانیان خفاش‌های هار بیشتر می‌شوند.

در میان این نوع قربانیان، تعداد کودکان خفاش گزیده بیشتر از بزرگسالان بوده، چرا که خفاش‌های هار از لای روزنه‌ها و دریچه‌ها به داخل خانه‌ها نفوذ می‌کنند و خون بچه‌ها را در حال خواب می‌مکند.

سهیلا پرسید: اینها خطرناک‌تر از سگ‌های هار باید باشند. حالا برای جلوگیری از نفوذ خفاش‌ها به داخل خانه‌ها چه باید کرد دکتر؟

سهراب با سرگشتگی آهی کشید و گفت: تنها راهی که به‌نظر می‌رسد این است که دیدارهای عمومی باید ترتیب بدهیم و به خانواده‌ها تأکید کنیم که غروب هر روز تمامی راه‌های نفوذ خفاش‌ها را به خانه‌ها ببندند.

با مصیبت بزرگی روبه‌رو شده‌ایم سهیلا خانم. باید به فکر سرم باشیم، با خطر حمله سگ‌های وحشی از یک طرف و هجوم روزافزون خفاش‌های مبتلا به هاری از طرف دیگر، آبادی ما به سرزمین نفرین شده‌ای تبدیل می‌شود.

می‌بینم کشاورزان، زمین‌های قابل کشت را رها می‌کنند و فرداست که با قحطی آذوقه و گرسنگی خانواده‌ها روبه‌رو شویم. از حالا خانواده‌هایی را می‌بینم که سرزمین آبا اجدادی‌شان را رها می‌کنند و از این جزیره بیرون می‌روند. باغ‌ها و مزارع قابل کشت کم‌کم متروک می شود و در نتیجه فرداست که مرگ و میر گرسنگان هم آغاز شود. می‌بینید سهیلا خانم فوت گرسنگان و مبتلایان به هاری...!

ادامه دارد

گوشی قاپی به قیمت جان پسر جوان

گروه حوادث/ سارقان موتورسوار، هنگام سرقت گوشی تلفن همراه راکب یک موتورسیکلت مرگ او را رقم زدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح شنبه ۳ آبان، گزارش مرگ پسری جوان در یکی از بیمارستان‌ها به بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت اعلام شد. با اعلام این خبر تحقیقات به دستور بازپرس رحیم دشتبان آغاز شد و بررسی‌ها نشان می‌داد دو پسر موتورسوار هنگام درگیری با دو سارق موتورسوار مصدوم شده‌اند و یکی از آنها پس از انتقال به بیمارستان جان باخته است.

به دستور بازپرس جنایی، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به سراغ پسر مصدوم رفتند. او در تحقیقات گفت: در بزرگراه باقری سوار بر موتور در حال حرکت بودیم. دوستم راکب بود و من ترک‌نشین که ناگهان تلفن همراهش زنگ خورد در همان حال حرکت داشت با تلفن صحبت می‌کرد که ناگهان موتورسواری با دو سرنشین به ما نزدیک شده و یکی از آنها گوشی تلفن همراه دوستم را قاپید. او ادامه داد: این حرکت خیلی سریع اتفاق افتاد و دوستم تعادلش را از دست داد و موتور واژگون شد. هر دویمان روی زمین افتادیم و سارقان هم فرار کردند من و دوستم که بشدت زخمی شده بودیم با کمک مردم و اورژانس به بیمارستان منتقل شدیم. اما دوستم جان باخت.

در تحقیقات میدانی نیز شاهدان اظهار کردند که با سرقت گوشی تلفن همراه، موتورسواران تعادل‌شان را از دست داده و با زمین برخورد کرده‌اند.

بازپرس جنایی دستور شناسایی و بازداشت موتورسواران سارق و ادامه تحقیقات را صادر کرد.

مرگ مسافر ترکیه
با ۱۵۰ گرم هروئین در معده

این متهم با کمک همسر صیغه ای خود مواد مخدر به ترکیه قاچاق می کرد

گروه حوادث/ مرگ ناگهانی زن مسافر در سالن انتظار فرودگاه امام خمینی(ره)، راز بسته‌های ۱۵۰ گرمی هروئین در معده‌اش را برملا کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱ ظهر چهارشنبه ۳۰ مهر، زن جوان در سالن فرودگاه به انتظار اعلام شماره پروازش برای سفر به ترکیه نشسته بود که ناگهان درد شدیدی در شکمش حس کرد در حالی که عرق سردی بر پیشانی اش نشسته و رنگ از چهره‌اش پریده بود به سختی بلند شد تا به سمت دستشویی برود اما درد امانش را برید و قدم‌هایش ناتوان ماند. وضعیت آشفته و حال جسمی فریبا از چشم مأموران زن پلیس فرودگاه پنهان نماند و آنها برای کمک به سمت وی رفتند. فریبا در نزدیکی سرویس بهداشتی فرودگاه تقریباً نیمه جان روی زمین افتاده بود که مأموران به او رسیده و علت این حال را جویا شدند. زن جوان با کلماتی بریده بریده گفت: در شکمم هروئین بار زده‌ام کمکم کنید.

مأموران زن با شنیدن این جمله بلافاصله او را به اتاق کمک‌های اولیه بردند. فریبا در حالی که انگار نفس‌های آخر را می‌کشید گفت: بهروز از من خواست مواد را ببلعم ۱۵۰ گرم هروئین بلعیدم تا به ترکیه ببرم. او همین جاست پیدایش کنید.

■ دستگیری در فرودگاه

زن جوان به بیمارستان منتقل شد اما به علت باز شدن بسته‌های هروئین در شکمش جان باخت. بدین ترتیب باتوجه به اطلاعاتی که او در اختیار مأموران قرار داده بود، دوربین‌های مداربسته فرودگاه و گیت پرواز ترکیه مورد بازبینی قرارگرفت و بالاخره بهروز شناسایی شد. چهره مرد جوان و مشخصاتش به واحدهای پلیس فرودگاه اعلام شد و مأموران هنگامی که بهروز قصد خروج از فرودگاه را داشت او را بازداشت کردند.

■ استخدام قاچاق بر

مرد جوان در ابتدا منکر آشنایی با فریبا بود و ادعا کرد زن جوان را نمی‌شناخته و او را اشتباه گرفته‌اند. اما تصاویر گرفته شده او با فریبا در فرودگاه و اطلاعاتی که زن جوان قبل از مرگش داده بود باعث شد که وی به استخدام این زن برای قاچاق مواد مخدر اعتراف کند.

در ادامه تحقیقات، دختر فریبا که از مرگ مادرش با خبر شده بود گفت: بهروز شوهر صیغه‌ای مادرم است. مادرم در کار قاچاق مواد نبود بهروز دروغ می‌گوید.

با اعتراف مرد جوان به دستور احسان زمانی بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران، وی به اتهام تسبیب در قتل عمد در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد. پرونده این متهم از نظر رسیدگی به اتهام قاچاق مواد مخدر نیز به دادگاه عمومی و انقلاب ارسال خواهد شد.

گفت‌وگو با متهم

■ چه مدت است در کار قاچاق مواد مخدر هستی؟

سال‌هاست که در ترکیه زندگی می‌کنم، وقتی دیدم تفاوت قیمت زیادی بین مواد مخدر در ترکیه و ایران است تصمیم به قاچاق مواد مخدر گرفتم.

■ با فریبا چطور آشنا شدی؟

دو سال قبل به یکی از دوستانم که در ایران عکاسی داشت گفتم که به‌دنبال افراد نیازمند هستم که بتوانند برای من مواد را به‌صورت بلع و انباری قاچاق کنند. فریبا یکی از آشنایان او بود، از همسرش جدا شده و با دخترش زندگی می‌کرد. چون وضع مالی خوبی نداشت، وقتی با پیشنهاد من مواجه شد، از آن استقبال کرد.

■ پیشنهادت چه بود؟

برای بلع و انباری ۱۰۰ تا ۱۵۰ گرم هروئین، پیشنهاد ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان دادم. فریبا هم از این پیشنهاد استقبال کرد.

■ چند بار مواد به ترکیه قاچاق کرد؟

چهار بار و این دفعه پنجم بود که این اتفاق افتاد.

■ آخرین بار کی به ایران برگشتی؟

چند روز قبل برای کاری به ایران آمدم. شب قبل از حادثه نیز به خانه فریبا رفتم و مواد کشیدم بعد صبح به همراه او راهی فرودگاه شدیم تا مواد را برای من قاچاق کند. اما یک دفعه حال فریبا بد شد و به من گفت به سرویس بهداشتی می‌رود. زمانی که به سمت سرویس بهداشتی می‌رفت، متوجه مأموران شدم که به او مشکوک شده‌اند، برای همین از او فاصله گرفتم و در گوشه‌ای مخفی شدم تا ببینم وضعیتش چه می‌شود اما وقتی دیدم لو رفته و او را به بیمارستان منتقل کردند می‌خواستم فرار کنم که دستگیر شدم.

سقوط بالابر مترو
جان ۳ کارگر را گرفت

گروه حوادث/ سقوط یک دستگاه بالابر در کارگاه ایستگاه در حال ساخت مترو در تقاطع خیابان آزادی و نواب منجر به مرگ ۳ کارگر شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران در این باره گفت: ساعت ۱۰:۲۲ صبح دوشنبه این حادثه به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران اطلاع داده شد و بلافاصله دو ایستگاه به محل حادثه اعزام شد.

نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد حادثه در یک ایستگاه در حال ساخت شرکت مترو بوده است و پیمانکار به همراه کارگران مشغول کار بوده‌اند که ناگهان یک دستگاه بالابر که سه نفر از کارگران در آن حضور داشتند، به پایین سقوط کرده است.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی خاطرنشان کرد: آتش‌نشانان بلافاصله عملیات را آغاز کرده و هر سه کارگر را بلافاصله از بین بالابر خارج کرده و تحویل عوامل اورژانس داده‌اند که به تأیید عوامل اورژانس مشخص شد هر سه کارگر جان خود را از دست داده‌اند.

توضیح شرکت مترو

در همین رابطه حمید هیدارن، مدیر روابط عمومی شرکت متروی تهران به ایسنا گفت: در کارگاه ایستگاه در حال ساخت مترو (ایستگاه توحید)، ساعت ۱۰ روز دوشنبه پنجم آبان ۱۳۹۹ بر اثر وقوع یک حادثه، ۳ نفر از کارگران پیمانکار کارگاه که دو جوشکار و یک اپراتور دستگاه بالابر بودند، در ایستگاه R7 (تقاطع خیابان‌های آزادی و شهید نواب صفوی) جان باختند.

وی با بیان اینکه بر اساس اطلاعات اولیه، علت حادثه مذکور خروج کابین دستگاه بالابر پیمانکار پروژه از روی ریل و سقوط آن بوده است، اظهار کرد: البته اطلاعات تکمیلی پس از انجام تحقیقات تیم کارشناسی حادثه که در محل مستقر هستند، حاصل خواهد شد.

وی افزود: تحقیقات اولیه حاکی از آن است که دستگاه بالابر مذکور در تاریخ ۳۱ شهریور امسال، پس از بازرسی ادواری، گواهی تأیید سلامت بر اساس استانداردهای مرجع ملی و بین‌المللی از مبادی قانونی ذیربط دریافت داشته است.

سرقت ۶ میلیاردی از شوهر برای مهاجرت به کانادا

گروه حوادث/ زن جوان در نقشه‌ای حساب شده ۶۶۰ سکه طلا از خانه پدر شوهرش سرقت کرد تا با فروش آنها به کانادا مهاجرت کند اما همدست افغانستانی‌اش پول‌ها را برداشت و فرار کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دوم دی سال گذشته پرونده‌ای با موضوع سرقت ۶۶۰ قطعه سکه طلا از خانه‌ای در محدوده نیاوران به کلانتری ۱۲۳ رسید و پس‌از بررسی‌های اولیه برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی قرار گرفت.

شاکی که مرد جوانی بود گفت من ۹۶۰ قطعه سکه تمام بهار آزادی داشتم که آنها را در آپارتمان پدرم نگهداری می‌کردم تا اینکه دوم آذر ماه متوجه شدم ۶۶۰ قطعه از سکه‌ها سرقت شده است. در ادامه کارآگاهان با توجه به پایش صحنه سرقت و اینکه ساختمان دارای نگهبانی ۲۴ ساعته بود احتمال داخلی بودن سرقت را دادند که با دعوت از شاکی تحقیقات جامعی درباره تمامی افرادی که به خانه وی تردد داشته‌اند انجام شد.

سرهنگ کارآگاه «سیدعلی شریفی» رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران در تشریح این خبر اظهار داشت: هنگام رسیدگی به پرونده، نامه‌ای از سوی فردی ناشناس به داخل خانه پدر شاکی انداخته شد که در آن نوشته بود «بالاخره حق به حق دار رسید» این موضوع نشان از وقوع صددرصدی سرقت توسط یکی از بستگان و آشنایان شاکی داشت بنابراین تحقیقات از اعضای خانواده و بستگان شاکی ادامه یافت تا اینکه رد پای همسر شاکی در سرقت برای کارآگاهان محرز شد که با جمع‌بندی سرنخ‌های به دست آمده با هماهنگی مقام قضایی، زن جوان به نام لیلا به پلیس آگاهی دعوت شد و در بازجویی‌های پلیسی، لب به اعتراف گشود و به بزه انتسابی درخصوص سرقت سکه‌های همسرش در چندین مرحله از خانه پدرشوهرش اعتراف کرد.

لیلا در ادامه بازجویی اظهار داشت که رؤیای مهاجرت به کشور کانادا را در سر می‌پروراندم و برای تأمین هزینه‌ها تصمیم به سرقت طلاها گرفتم و سکه‌ها را به صرافی‌ها و طلافروشی‌ها فروختم و از فروش آنها مبلغ ۲۰ میلیارد ریال در حسابم دارم. لیلا در خصوص نامه‌ای که به منزل پدر شوهرش فرستاده بود، توضیح داد: برای اینکه تحقیقات پلیس را منحرف کنم پس‌از سرقت، نامه‌ای را به شخصی که تبعه افغانستان بود دادم تا به منزل پدر شوهرم بیندازد البته ۴۰ میلیارد ریال از وجوه نقد فروش سکه‌ها نیز در اختیار او است.

رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی در پایان گفت: با مشخص شدن سارق و سرنوشت سکه‌های سرقتی پرونده متهم برای رسیدگی قضایی به شعبه ۱۰ دادسرای ناحیه یک تهران ارسال شد و تلاش کارآگاهان برای شناسایی و دستگیری متهم متواری تبعه افغانستان همچنان ادامه دارد.

بازداشت مأمور کلانتری
در پرونده مرگ مرد مشهدی

گروه حوادث/ بازپرس دادسرای نظامی خراسان رضوی دستور بازداشت مأمور کلانتری در پرونده مرگ جوان مشهدی را صادر کرد.

به‌گزارش برنا، مهدی اخلاقی، دادستان نظامی خراسان اعلام کرد: مأمور متخلف در ماجرای مشهد با قرار بازپرس دادسرای نظامی بازداشت شد. از دو مأمور دیگر کلانتری هم که مقتول را به کلانتری منتقل کرده‌اند، تحقیق شده است. از شهود و مطلعان نیز در حال تحقیق هستیم تا حقیقت ماجرا روشن شود. این در حالی است که دستور نمونه‌برداری از ریه و بررسی تأثیر اسپری بر مرگ متوفی نیز صادر شده است.

روز ۲۷ مهر گزارش یک درگیری خانوادگی به مأموران کلانتری کاظم آباد مشهد اعلام شد. وقتی مأموران به محل رفتند مشخص شد داماد یک خانواده که اعتیاد به مواد مخدر نیز داشته به خانه پدرزنش رفته و با شکستن شیشه‌های در خانه و خسارت به خودروی آنها ایجاد مزاحمت و درگیری کرده است. بدین ترتیب مأموران کلانتری مرد جوان را دستگیر و به یک میله آهنی در کوچه دستبند زدند. اما بر اساس تصاویر فیلمی که از این ماجرا در فضای مجازی منتشر شده مأمور پلیس با شوکر به بدن این مرد زده و به گفته شاهدان و برادرش به‌صورت وی اسپری فلفل نیز زده‌اند که حالش بد شده و قبل از رسیدن به بیمارستان جان باخته است.

بدین ترتیب با مرگ مرد جوان خانواده وی شکایت کرده و خواهان رسیدگی به این ماجرا و روشن شدن علت مرگ وی شدند و پرونده‌ای در دادسرای نظامی تشکیل شده است.

سردار «محمد کاظم تقوی» فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی در این باره گفت: پس از انتشار فیلم این درگیری در فضای مجازی دستور ویژه به رئیس بازرسی پلیس استان برای پیگیری سریع پرونده و روشن شدن چرایی و علت آن صادر و تحقیقات آغاز شده است. پلیس مقید به اخلاق مداری و قانون محوری است و احقاق حقوق شهروندان را وظیفه و تکلیف خود می‌داند.

محاکمه عاملان
قتل میوه فروش دوره‌گرد

گروه حوادث/ زن و مرد جوانی که به اتهام قتل یک میوه فروش دوره گرد زندانی شده‌اند در حالی بزودی محاکمه خواهند شد که مرد جوان مدعی است مقتول مزاحم همسرش بوده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از یکسال پیش با گزارش قتل مرد میانسالی آغاز شد. پدر مقتول به مأموران گفت: عروسم با من تماس گرفت و گفت که پسرم را در باغی که پاتوق دوستانش بود کشته‌اند. من هم اول با پلیس تماس گرفتم.

وقتی مأموران به محل جنایت رفتند جسد مقتول به‌نام رضا را که دست و پایش بسته بود به پزشکی قانونی منتقل کردند.

در ادامه همسر مقتول مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: شوهرم با وانت میوه فروشی می‌کرد امروز یکی از دوستان شوهرم با خانه ما تماس گرفت و خبر قتل رضا را در باغی که همیشه به آنجا می‌رفت داد. اما نمی‌دانم چه کسی او را کشته است.

به این ترتیب مأموران تحقیقاتشان را گسترش دادند تا به شاهدی رسیدند که اولین سرنخ را به مأموران داد. او گفت: چند ساعت قبل تلفن همراه رضا زنگ خورد بعد هم با عجله سوار وانتش شد و گفت که به باغ می‌رود اما وقتی می‌رفت من دیدم که پشت سر او خودروی پرشیایی که زن و مردی سوار آن بودند هم انگار تعقیبش می‌کردند. من فکر کردم رضا می‌داند که در تعقیبش هستند تا اینکه شنیدم او را کشته‌اند. من احتمال می‌دهم تعقیب‌کنندگان او عامل قتلش هستند.

مأموران پس از این اظهارات تلفن همراه مقتول را مورد بررسی قرار دادند و متوجه شدند او از مدتی قبل با زنی به‌نام سوسن در ارتباط بوده است. به همین خاطر سوسن به‌عنوان مظنون بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت و در نهایت پس از چندین جلسه بازجویی اعتراف کرد که همسرش، رضا را کشته است.

وی در توضیح ماجرا نیز گفت: مدتی بود که رضا مزاحم من می‌شد و من هم از ترس شوهرم موضوع را مخفی کرده بودم تا اینکه شوهرم موضوع را فهمید و از من خواست تا با رضا قرار بگذارم. وقتی با او تماس گرفتم آدرس باغی را داد و من و همسرم با هم به باغ رفتیم. وقتی به آنجا رسیدیم همسرم با رضا درگیر شد و با چاقو یک ضربه به او زد و بعد از آنجا فرار کردیم.

با اعترافات سوسن، شوهرش قاسم بازداشت شد و در بازجویی‌ها گفت: من یک ضربه بیشتر به مقتول نزدم اما می‌گویند ضربات دیگری هم به مقتول خورده و دست و پاهایش بسته بوده که کار من نبود. مدتی بود که متوجه تغییر رفتارهای همسرم شده بودم. به همین خاطر او را زیرنظر گرفتم و متوجه شدم با مردی رابطه دارد. خیلی ناراحت شدم که این مرد زندگی‌ام را خراب کرده است. به همین خاطر از او انتقام گرفتم.

این در حالی است که خانواده مقتول اصرار دارند که سوسن خودش عامل این ارتباط بوده و به هیچ عنوان هم درباره حکم عاملان قتل گذشت نخواهند کرد.

با توجه به شکایت اولیای دم و نظریه پزشکی قانونی که علت مرگ را وارد آمدن ضربات چاقو بر بدن مقتول عنوان کرده بود صحنه قتل بازسازی شد و متهم بار دیگر مدعی شد فقط یک ضربه زده است.

بعد از گفته‌های متهم و تکمیل تحقیقات کیفرخواست علیه او به اتهام قتل عمدی و برای همسرش سوسن به اتهام معاونت در قتل صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد تا این زوج بزودی محاکمه شوند.